

**29 بهمن 56؛ روز قیام تبریز**

روز 29 بهمن 1356 که مصادف با چهلّم شهدای فاجعه قم در 19 دی بود، در بسیاری از شهرها و نقاط کشور به یاد و خاطره آنان، مجالس ختم و سوگواری برگزار شد.



روز 29 بهمن 1356 که مصادف با چهلّم شهدای فاجعه قم در 19 دی بود، در بسیاری از شهرها و نقاط کشور به یاد و خاطره آنان، مجالس ختم و سوگواری برگزار شد.

در تبریز نیز قرار بود ساعت 10 صبح مردم در مسجد قزلی (میرزا آقا یوسف مجتهد) تجمع کنند. دعوت از سوی آیت‌الله قاضی و 10 نفر دیگر از علمای تبریز صورت گرفته بود. آنچه در پی می‌خوانید گزارشی است از قیام غیورمردان تبریزی در بهمن 56. در روز 29 بهمن مردم درحالی‌که جمع می‌شدند، درمقابل مسجد، اعلامیه‌ها را نیز مطالعه می‌کردند.

سرگرد مقصود حق‌شناس، رئیس‌کلانتری بازار به همراه عده‌ای مامور سر می‌رسد و به مردم اعلام می‌کند که متفرق شوند اما مردم توجهی به اخطارهای او نمی‌کنند. خادم مسجد که قصد باز کردن در مسجد را بنا به دستور آیت‌الله قاضی طباطبایی داشت، توسط مأموران از این کار منع می‌شود. تعدادی از جوانان به طرف سرگرد حق‌شناس حرکت می‌کنند و از او می‌خواهند تا در مسجد جهت برگزاری مراسم باز شود و او با لحن تند و زشتی خطاب به جوانان می‌گوید: &#171;نمی‌شود، در این طویله باید بسته بماند!

جوانی از غیرتمندان تبریز به نام محمد تجلا که از پاره کردن اعلامیه و سخنان توهین‌آمیز او به هیجان آمده بود، با وی گلاویز می‌شود. حق‌شناس اسلحه کمری را می‌کشد، سینه محمد را نشانه می‌گیرد و این جوان 22 ساله را به شهادت می‌رساند. مردم جنازه خون‌آلود جوان قهرمان را برداشته و به طرف خیابان‌ها به راه می‌افتند. کم‌کم در طول راه بقیه مردم به صف راهپیمایان می‌پیوندند و قیام آغاز می‌شود.

یحیی ليقواني رئیس ساواک تبریز که متوجه عادی نبودن اوضاع شهر شده و به گستردگی قیام واقف شده بود، بلافاصله با تهران تماس می‌گیرد و کسب تکلیف می‌کند. شاه که خبر قیام به او رسیده بود، در تماس با جمشید آموزگار، دستور حفاظت از پمپ بنزین‌ها، کارخانه‌ها، ادارات دولتی و سرکوب شدید را می‌دهد و می‌گوید که هرگونه مقاومتی سرکوب شود.

شورای امنیتی استان تشکیل جلسه می‌دهد و تصمیم می‌گیرند از نیروهای ارتش و ژاندارمری استفاده‌کنند و یگان‌های نظامی در سطح شهر مستقر شوند و برای اینکه نشان بدهند در سرکوب جدیت دارند دستور استقرار 2 دستگاه تانک چیفتن، 2 دستگاه نفربر و یک دستگاه تانک اسکورپین را در سطح شهر می‌دهند. همچنین تصمیم گرفته می‌شود استاندار، سپهبد آزموده با آیت‌الله قاضی تماس بگیرد و بگوید که مراسمی که صبح برپا نشد، می‌شود بعدازظهر در مساجد مختلف برگزار شود، به شرطی که مردم به رعایت نظم و آرامش دعوت شوند. در شهر جمعیت خشمگین، ساختمان حزب رستاخیز تبریز را تصرف می‌کنند و خودروها و ساختمان‌های دولتی را به آتش می‌کشند و بانک‌ها را متصرف می‌شوند و پول‌های آنها را می‌سوزانند. دانشجویان دانشگاه نیز به همراه مردم در این قیام حضور پیدا می‌کنند.

تبریز در چهلّم شهدای قم به‌صورت شهر جنگ‌زده درآمد. خیابان‌ها از خون جوانان، بازاریان، دانشجویان و مردان و زنان رنگین شد و بدین‌ترتیب پس از فاجعه خونین قم، جنایت دیگری بر جنایات‌های رژیم افزوده شد. (1) سرانجام ساعت 5 بعدازظهر، نیروهای نظامی بر شهر مسلط شدند. در آماري که برای رئیس ساواک تبریز تهیه کردند، این‌طور نوشته شده بود:

&#171;581 نفر دستگیر، 9 نفر کشته، 118 نفر زخمی، 3 دستگاه‌تانک، 2 سینما، یک هتل، ساختمان کاخ جوانان، ساختمان حزب رستاخیز و تعدادی اتومبیل شخصی و دولتی به آتش کشیده شدند».

چند روز بعد تعداد کشته‌شدگان تبریز به 13 نفر رسید، کنسول آمریکا در تبریز در واپسین ساعت‌های روز، این یادداشت را به سفارت آمریکا در تهران مخابره کرد: &#171;بیشتر تظاهرکنندگان را مردان جوان تشکیل می‌دهند و اهدافشان مظاهر جامعه غیرمذهبی از قبیل سینماها و کلوپ‌هاست. نیروهای اجتماعی و مذهبی به‌حالتی درآمده‌اند که کنترلشان آسان نیست. شاه (شاید) با تعویض استاندار آذربایجان و تحت انضباط درآوردن ساواک و مقامات پلیس این استان به شورش‌های تبریز واکنش نشان دهد، با این حال 4 روز بعد، باز هم در شهرهای مختلف ایران تظاهرات و خشونت‌هایی به وقوع خواهد پیوست».

رئیس شهربانی تبریز، معزول و به تهران احضار و استاندار هم بر کنار شد.

کشتار مردم تبریز شاه را غافلگیر کرد چون او که به نظر خود توانسته بود پرده‌ای ضخیم روی فاجعه قم بکشد و حتی اقدام دبیرکل سازمان ملل را به سود خود تمام کند و افکار خارجیان را از درک واقعیت منحرف سازد، در قیام مردم تبریز دست و پای خود را گم کرد. به دنبال قیام مردم تبریز امام خمینی که در تبعید به سر می‌برد، برای قدردانی از این حرکت خطاب به مردم آذربایجان پیامی صادر کردند. (2)

در این پیام آمده بود: &#171;دروود بر مردان برومند و جوانان غیرتمند تبریز. درود بر مردانی که در مقابل دودمان بسیار خطرناک پهلوی قیام کردند و با فریاد &#171;مرگ بر شاه» خط بطلان بر گزافه‌گویی‌های او کشیدند. زنده باشند مردم مجاهد عزیز تبریز که با نهضت عظیم خود، مشیت محکم بر دهان یاهه‌گویانی زدند که با بوق‌های تبلیغاتی، انقلاب خونین استعمار را که ملت شریف ایران با آن 100 درصد مخالف است، انقلاب سفید شاه و ملت می‌نامند و این نوکر اجانب و خود باخته مستعمرین را نجات‌دهنده ملت می‌شمارند.

مردکی نجات‌دهنده کشور است که مخازن بزرگ ثروت این ملت مظلوم را دو دستی تقدیم اجانب نموده و آن پول ناچیز را که می‌گیرد تقدیم می‌کند و در مقابل آهن‌پاره‌هایی می‌گیرد که هیچ دردی از ملت دوا نمی‌کند! آن شخصی نجات‌دهنده است که با مصونیت دادن اتباع اجانب، کشور را از حیثیت ساقط و به شکل مستعمره عقب‌افتاده در آورده است!

مردکی حافظ آزادی ملت است که در سرتاسر کشور، احدی را حق یک کلمه حق‌گویی و انتقاد نمی‌دهد و پلیس ننگینش بر سر این ملت مظلوم سایه افکنده! شاهی عدالت گستر است که در هر چند گاهی با قتل‌عام، ملتی را به عزا می‌نشانند! من نمی‌دانم با چه زبانی به اهالی محترم تبریز و به مادران داغ‌دیده و پدران مصیبت کشیده تسلیت بگویم، با چه بیان این قتل‌عام‌های پی در پی را محکوم کنم. من از مقدار جنایات و عدد مقتولین و مجروحین اطلاع صحیح ندارم ولی از بوق‌های تبلیغاتی معلوم می‌شود که جنایات‌ها بیش از تصور ماست.

با این وصف، شاه افراد پلیس را که به قتل‌عام دلخواه او دست زده‌اند، به محاکمه می‌خواهد بکشد. خاطره بسیار اسفانگیز قم هنوز ما را در رنج داشت که فاجعه بسیار ناگوار تبریز پیش آمد که هر مسلمی را رنج داد و ما را به سوگ نشانند. من به شما اهالی معظم آذربایجان نوید می‌دهم؛ نوید پیروزی نهایی. شما آذربایجانیان غیور بودید که در صدر مشروطیت برای کوبیدن استبداد و خاتمه‌دادن به خودکامگی و خودسری سلاطین جور بپاخاستید و فداکاری کردید. تاریخ ایران به یاد ندارد این چنین سفاکی و قتل‌عام پی‌درپی را که به دست این یاغی سفاک انجام می‌گیرد.

تاریخ مشروطیت به یاد ندارد این چنین مجلس سنا و شورا را که اهالی محترم متدین آذربایجان را مشتی اوباش و بی‌دین معرفی کند. از مجلسی که دست نشانده شاه است، بیش از این توقع نیست. اکنون بعد از آن همه کشتار و جنایات تبریز و آن همه خونخواری‌های شاه، مشتی سازمانی را با کارگران مجبور با سرنیزه، در گوشه‌وکنار کشور به راه انداخته و با عریده کشیدن و به نفع دستگاه جنایت و خیانت، تظاهرات به راه انداختن می‌خواهند لکه‌های ننگ را از سر و صورت این مستبد خونخوار شست‌وشو کنند، غافل از آنکه با آب زمزم و کوثر هم محو نخواهد شد. تاریخ، رنج‌های ملت و ستمکاری و جنایات این پدر و پسر را ضبط کرده و در فرصتی منتشر خواهد کرد.

من اکنون که مشغول نوشتن این &#171;غمنامه» هستم، نمی‌دانم که به برادران عزیز تبریزی ما چه می‌گذرد. آیا شاه به جنایات خود ولو موقتاً خاتمه داده است یا نه؟ و یا می‌خواهد پس از آن قتل‌عام، بازماندگان را چنان سرکوبی کند که نفس‌ها قطع شود؟ لکن باید بداند که دیر شده، ملت ایران راه خود را یافته و از پای نمی‌نشیند تا جنایتکاران را به جای خود بنشانند و انتقام خود و پدران خود را از این دودمان سفاک بگیرد. با خواست خداوند قهار، اکنون در تمام کشور صدهای ضدشاهی و ضد رژیم بلند است و بلندتر خواهد شد و پرچم اسلام بر دوش روحانیون ارجمند برای انتقام از این ضحاک زمان به اهتزاز خواهد درآمد و ملت اسلام یکدل و یک جهت به پاس از مکتب حیاتبخش قرآن، آثار این رژیم ضداسلامی و مروج زشتی را محو خواهد کرد».

پی‌نوشت‌ها:

- 1- برخی از شهیدان و مجروحین این فاجعه عبارتند از: 1- محمد تجلا که دانشجو بود 2- محمدباقر رنجبر آذربایجان که بعد از 10 روز به شهادت رسید. سیدیچی (رحیم) صفوی که مجروح شد و بعد از پیروزی انقلاب به عضویت سپاه درآمد و به‌عنوان فرمانده کل سپاه مشغول خدمت به انقلاب بود.
- 2- صحیفه نور، جلد 2، ص 36-38، 1358/12/8.